

بررسی و تحلیل نقش فرهنگ در توسعه مناطق روستایی با رویکردهای توسعه پایدار

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۲۰

تاریخ تأیید مقاله: ۹۱/۵/۲۵

محمد رضا نقوی *

ابوذر پایدار **

یاسر قاسمی ***

چکیده:

انسان‌ها در جوامع زندگی می‌کنند و هر جامعه فرهنگی دارد. اما عناصر فرهنگ ممکن است بی‌اختیار از یک سیستم به سیستم دیگر راه یابد. هر جامعه بشری سیستم اجتماعی، فرهنگی خود را دارد که به‌طور کلی نمودی خاص و بی‌همتا از فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ و یا به عبارتی راه و روش زندگی جوامع انسانی در برگیرنده اقتصاد، معیشت، نحوه زیست، طرز مصرف خوراک و پوشاک، مسکن، سیاست، آداب و رسوم، نظام ازدواج و خویشاوندی، تفکرات مذهبی و متافیزیکی و همه امور انسانی و غیر انسانی است. همانطور که می‌دانیم توسعه برای تحول انسان است و خود هدف نیست، بلکه ابزاری است تا انسان را متناسب با مکانی که در آن زیست می‌کند به جایگاه و موقعیت شایسته‌اش برساند. در این میان توسعه روستایی بهبود شرایط زندگی توده‌های کم‌درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنها است. اغلب دانشمندان که با مسائل شهری و روستایی در ارتباط‌اند، اعتقاد دارند باید در روستاها تحولی بنیادین ایجاد شود و تنها راه‌حل، ارتقای سطح زندگی مردم در روستاها توجه به رویکردهای توسعه پایدار و توسعه همه‌جانبه روستاهایی است. محققان در این مقاله می‌کوشند به این سؤال اساسی که آیا بین فرهنگ و توسعه پایدار مناطق روستایی رابطه معناداری وجود دارد؟ پاسخی مستدل ارائه کنند. این مقاله یک پژوهش کاربردی است، روش مطالعه به‌صورت توصیفی - تحلیلی است که گردآوری اطلاعات مورد نیاز به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج به‌دست آمده از تحقیق نشانگر وضعیت نامطلوب توسعه روستایی با رویکرد توسعه پایدار در نواحی روستایی است و در این بین سهم فرهنگ به‌کلی فراموش شده است. چون که وضعیت کلی اجتماعات روستایی در ایران نشان می‌دهد که برنامه‌های فرهنگی و برنامه‌های توسعه پایدار در نواحی روستایی با توجه به نقش و جایگاه آن در این نواحی انطباقی با الگوی توسعه نداشته و از آنجایی که برنامه‌های توسعه از دستیابی به اهداف در همه زمینه‌ها دور مانده‌اند، بیشترین آثار منفی خود را بر اجتماعات روستایی از (بعد فرهنگی) بر جای نهاده‌اند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، توسعه، توسعه روستایی، توسعه پایدار.

* مدرس مدعو جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه پیام نور بهشهر Email: M.naghavy@gmail.com

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس

*** مدرس مدعو جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه پیام نور بهشهر

مقدمه

همان‌گونه که می‌دانیم مهمترین و اساسی‌ترین عنصر مشخص‌کننده حیات جهانی فرهنگ است. از این جهت این مفهوم، صفت جوامع پیشرفته‌تر یا فرهیخته‌تر نیست، بلکه مشخصه همه جوامع است و نمودار ارزش‌ها، باورها، رفتارها و فراورده‌های انسانی موجود در آن جوامع محسوب می‌شود (غراب، ۱۳۹۰: ۶). هر جامعه بشری سیستم اجتماعی، فرهنگی خود را دارد که به‌طور کلی نمودی خاص و بی‌همتا از فرهنگ آن جامعه است، البته که این سیستم‌ها از نظر ساخت با هم متفاوتند و در هر سیستم با توجه به زیستگاه‌های طبیعی، منابع، زبان و غیره، فرهنگ خاصی حاکم می‌گردد (شمس، امینی، ۱۳۸۸: ۸۴). توسعه را به‌معنای کوشش آگاهانه، نهادی و برنامه‌ریزی شده برای نیل به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی می‌توان پدیده‌ای نوظهور در قرن بیستم دانست که از سال ۱۹۱۷ میلادی از اتحاد جماهیر شوروی سابق آغاز شد و از دهه‌های بعد نگرش ساختاری به مفهوم توسعه، پویایی، تداوم و پایداری آن با توجه به ابعاد فضایی - مکانی مد نظر قرار گرفت و توسعه به‌مثابه ابزاری برای تعادل و آشتی میان نظام اکولوژیکی با نظام اقتصادی - اجتماعی گردید (افتخاری، آقاییاری هیر، ۱۳۸۶: ۳۲). تا اینکه در سال ۱۹۷۰ میلادی رویکردهای توسعه به‌ویژه توسعه روستایی در بسیاری از کشورهای دنیا به‌خصوص در کشورهای جهان سوم مطرح شد، که هدفی چون کاهش فقر در نواحی روستایی، تأمین نیازهای اساسی، ارتباط دوسویه بین شهر و روستا و پیوند ساختاری بین آنها، گسترش کشاورزی و دامپروری، توسعه عدالت اجتماعی در نواحی روستایی را مورد توجه قرار داد (ISRDS.2000.30). اگرچه مفهوم توسعه روستایی از لحاظ محتوا و کارکرد در راستای سازماندهی توسعه در نواحی روستایی، به‌طور مداوم تغییر کرده است. اما توسعه روستایی بعنوان راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی، اقتصادی مردم فقیر روستایی در نظر گرفته شده است. از آنجا که هدف اصلی توسعه روستایی کاهش فقر است برنامه‌های توسعه روستایی باید به‌منظور افزایش تولیدات، بهره‌وری، توسعه منابع انسانی و گسترش فرصت‌های اشتغال طراحی شود و روند توسعه نیز نباید بنیان‌های محیطی را تخریب کند با توجه به ماهیت چندبعدی فعالیت‌های توسعه روستایی و این باور که برنامه‌های توسعه روستایی با تمرکز بر یک بعد تحقق نمی‌یابد، عبارت توسعه پایدار و یا توسعه همه‌جانبه برای توجه به اهداف مختلف توسعه روستایی استفاده می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۱: ۲۲۲). همان‌گونه که آشکار است هدف دولت‌ها از گسترش فرهنگ در نواحی روستایی حمایت از برنامه‌های عمومی، ارتقای سطح تعلیم و تربیت، بهبود ارزش‌ها

و کرامات انسانی و تسریع توسعه فرهنگ بومی است (Mcc.2011:7). این فرآیند فراگیر تصمیم‌گیری و مشاوره‌ای سرآغاز خودباوری محلی در نواحی روستایی است، چرا که به دولت‌ها در شناسایی، بهبود، کشف منابع فرهنگی و رونق فرهنگ‌های محلی کمک می‌کند. گاهی به عنوان یک راهبرد استراتژیک است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم برنامه‌ریزی‌های دولت را در جهت هدایت منابع فرهنگی از طریق طیف گسترده‌ای فعالیت‌های فرهنگ بومی محلی رونق می‌دهد (Wiliva.2010:57).

در چارچوب رهیافت مطلوب توسعه برای مناطق روستایی که با توسعه پایدار روستایی شناخته می‌شود، توسعه روستایی مبتنی بر رویکردی کلی‌نگر و سیستمی است که دربردارنده ابعاد بنیادی، شکل‌دهنده نظام توسعه روستایی و با توجه به، هم‌پیوندی موزون میان آنان است، تعاریف و مضامین توسعه پایدار، اجزای اساسی این توسعه همانا پیشرفت اقتصادی، رفاه اجتماعی، کیفیت محیطی و حکمروایی خوب محسوب می‌شوند. در این میان، همان‌گونه که کمیسیون توسعه پایدار نیز تصریح دارد، ابعاد توسعه پایدار در برگیرنده خصیصه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی است که بیانگر مفهومی موزون و به‌هم پیوسته در قالب کلیتی واحد و دارای تعامل است (پورطاهری، سجاسی، صادقلو، ۱۳۸۸:۲). بیشتر نواحی روستایی در سراسر جهان دارای مشخصاتی شبیه به هم هستند که در این بین ویژگی‌هایی چون توزیع فضایی جمعیت، فعالیت‌های کشاورزی، استفاده از منابع محلی، تماس‌های چهره به چهره، فرهنگ‌ها، سنت‌ها، آداب و رسوم و غیره در خور توجه است (ISRDS.2000.31). اما در سطح ملی و به‌خصوص در مناطق روستایی، اهمیت فرهنگ در دو جنبه خلاصه می‌شود، نخست جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری نقشی که فرهنگ در پیشرفت جوامع ایفا می‌کند (مظاهری، کاوسی، موسوی، ۱۳۸۸:۸). چرا که از عوامل ایجاد تحول در یک جامعه میزان انعطاف‌پذیر و باز بودن محیط فرهنگی یک جامعه است. هرچه جامعه از نظر عقیدتی انعطاف‌پذیرتر باشد آثار و نقش فرهنگ سریع‌تر خواهد بود (پورطاهری، افتخاری، نیکبخت، ۱۳۹۰:۱۱۷). همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد می‌توانیم چهره فرهنگی غالب در جامعه خودمان را مشاهده کنیم.

در نتیجه براساس تعاریفی که از توسعه و توسعه پایدار روستایی شده است توسعه پایدار به‌عنوان تأمین نیازهای فعلی افراد و استفاده از منابع بدون به‌خطر افتادن آن برای نسل‌های بعدی مفهوم دوچندان می‌یابد همان‌طور که در شکل ۱ دیده می‌شود توسعه پایدار در نواحی شهری و روستایی از ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی برخوردار است

جدول ۱. چهره فرهنگی غالب بر جامعه

ویژگی‌ها	نیمروخ فرهنگی
گرایش کم به عقلانیت و قاعده‌مندی، زنانگی در برابر مردانگی، فاصله قدرت بالا که البته با توجه به رخ دادن انقلاب اسلامی امکان تغییر آن را به فاصله قدرت پایین باید مدنظر قرار داد، بی‌اعتمادی و بدبینی به دیگران، جمع‌گرایی در برابر فردگرایی، خاص‌گرایی در برابر عام‌گرایی، تجدد و نوگرایی توجه به مظاهر دنیای متجدد، بی‌توجهی به زمان، پذیرش ابهام، قبول، تردید در زندگی، تقدیرگرایی، دینداری، انگیزه موفقیت و غیره	

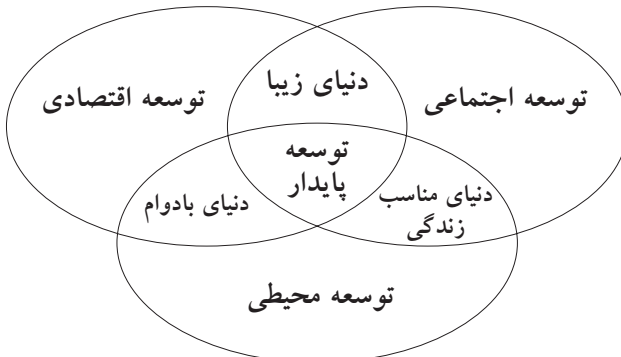
منبع: موحدی، ۱۳۸۵: ۱۳

که می‌توانیم به این رویکردهای اساسی مطرح شده در کنفرانس ریو توجه کنیم. در این بین فرهنگ در بعد رویکردهای اجتماعی جای گرفته که تحولات دهه اخیر ابعاد توسعه این هویت بشری را دستخوش تحولات کرده است و نقش آن به‌خصوص در مناطق روستایی بیشتر به‌سوی ضدیت علیه فرهنگ بومی - محلی پیش رفته است.

مبانی نظری

واژه «culture» یا همان فرهنگ که از زبان کلاسیک لاتین ریشه می‌گیرد، نخست در آلمان به‌کار برده شده؛ اما نه به‌معنای امروزی، بلکه به معنای کشت و کار و بهسازی است. در واقع یکی از عوامل اساسی که باعث پیدایش مفهوم تازه‌های برای فرهنگ شد، پدید آمدن مفهوم پیشرفت در تاریخ بود. در دوره رنسانس برخلاف دوره‌های پیش این احساس در افراد به‌وجود آمد که انسان ناخواسته به چیزهای بزرگ و تازه‌هایی دست یافته و پیشرفت زیادی کرده و علت آن هم خردورزی و همه‌گیر شدن روشن‌اندیشی بود (شمس، امینی، ۱۳۸۸: ۸۳). رالف لیتتون؛ فرهنگ را ترکیبی از رفتار اکتسابی می‌داند که به‌وسیله اعضای

شکل ۱. رویکردهای توسعه پایدار



جامعه معینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و میان افراد مشترک است (خاکپور، شیخ مهدی، ۱۳۹۰: ۲۳۰). همچنین شاین فرهنگ را در سه سطح مختلف تعریف می‌کند:

• مظاهر فرهنگ که شامل تمام پدیده‌هایی که قابل دیدن، شنیدن و لمس کردن هستند و البته کشف مفهوم آنها بسیار دشوار است.

• سطح ارزش‌های حمایتی، هنجارها و قواعد رفتاری (که نشان‌دهنده اولویت‌ها یا چیزهایی هستند که باید انجام شوند).

• مفروض‌های اساسی که شامل عقاید درست فرض شده و غیرقابل مجادله، ادراک‌ها، افکار و احساس‌ها هستند و منبع نهایی ارزش‌های عملی به‌شمار می‌روند (موحدی، ۱۳۸۵: ۳).
توسعه فرهنگی در جامعه ما دربرگیرنده سه بخش است:

فرهنگ بنیادی، فرهنگ تخصصی و فرهنگ عمومی

الف) فرهنگ بنیادی در واقع تعیین‌کننده خطوط کلی، زیربناها و آرمان‌های فرهنگی جامعه است و یکی از فراورده‌های بسیار مهم این بخش که کلیه فعالیت‌های توسعه اجتماعی به آن متکی است، مبانی معرفتی مورد نیاز است یعنی اندیشه سیاسی، اندیشه فرهنگی، اندیشه نخبگان فرهنگی جامعه که در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی دخالت چندانی ندارند.

ب) فرهنگ تخصصی، اصول و خطوط کلی فرهنگ جامعه که در بخش فرهنگ بنیادی ساخته شده است و توسط گروهی خاص از اندیشمندان و متخصصین هر بخش از فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته و زمینه‌های مفهوم یافته، قابلیت استفاده برای اجرا می‌یابد. این گروه به‌عنوان حلقه واسط بین بنیان‌گذاران فرهنگی و ارائه‌کنندگان فعالیت‌های فرهنگی عمل می‌کنند.

ج) فرهنگ عمومی، مفاهیم و دستاوردهای فرهنگی در قالب‌های مختلف و از طریق نرم‌افزارها و ابزارهای گوناگون به جامعه عرضه می‌گردد. این مفاهیم برحوزه تمایلات، اندیشه‌ها و رفتارها تأثیر می‌گذارند و می‌توانند آنها را در جهت تکامل و یا تنازل توسعه دهند مراکز و افرادی که عهده‌دار انجام فعالیت‌های فرهنگی هستند مانند: صدا و سیما، رسانه‌های مطبوعاتی و اطلاعاتی، نویسندگان، مبلغان دینی و غیره در این گروه جای دارند (ناظمی اردکانی، کشاورز، ۱۳۸۵: ۶).

ارتباط فرهنگ با توسعه

به هر حال پیشرفت و ترقی حاصل یک نگرش خاص به عالم است و بدون ایجاد این نگرش خاص، پیشرفت و ترقی ممکن نیست و این نگرش خاص بیانگر لزوم وجود یک

فرهنگ مناسب برای توسعه است. محور توسعه، انسان است و انسان، اساسی ترین نقش را در توسعه ایفا می کند و همان طور که می دانیم انسان همواره درگیر انتخاب است و فعالیت های اقتصادی نیز در قالب این انتخاب شکل می گیرند. مجموعه فعالیت های اقتصادی انسان ها، سیمای کل اقتصاد جامعه را می سازد. در واقع اگر جامعه ای به توسعه دست می یابد این توفیق را مرهون فعالیت و تلاش گسترده اعضای خویش می داند که با انجام انتخاب های خاص و به دنبال آن فعالیت های اقتصادی خویش آن را غنیمت بخشیده اند. انتخاب انسان ها و به دنبال آن فعالیت های اقتصادی آنها - که نتیجه انتخاب است - سخت تحت تأثیر عوامل فرهنگی شکل می گیرند. انتخاب معیار می خواهد و معیار مسئله ای ارزشی است و هر مسئله ارزشی جزئی از فرهنگ است، بنابراین ارتباط تنگاتنگی بین توسعه و فرهنگ وجود دارد. به عبارت دیگر می توان چنین گفت که توسعه ملی به ویژه توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی، مستلزم رفتارهای خاص به ویژه در زمینه های مختلف زندگی انسانی است و شدیداً به فرهنگ و باورهای فرهنگی وابسته است. در واقع فرهنگ، تغییرات اساسی در طرز تفکر و شیوه رفتار افراد به وجود می آورد که بنیان توسعه پایدار بر آن استوار است (قبادی، ۱۳۸۸: ۱). تاریخ فرهنگ ایران از نظر استقامت و ثبات در بقا و دوام، استعداد قابل ملاحظه ای نشان می دهد. امیل گروسه «در این مورد می نویسد، ایران حق بزرگی به گردن بشریت دارد، زیرا به شهادت تاریخ، ایران با فرهنگ نیرومند و ظرفیتی که در طی قرون به وجود آورده و سیله تفاهم و توافق و هماهنگی را میان ملل ایجاد کرده است، در اثر نفوذ افکار و فرهنگ ایران؛ نژادهای مختلف دارای ایمان و عقیده مشترک شده اند» (شمس، امینی، ۱۳۸۸: ۸۶).

روستا و توسعه پایدار

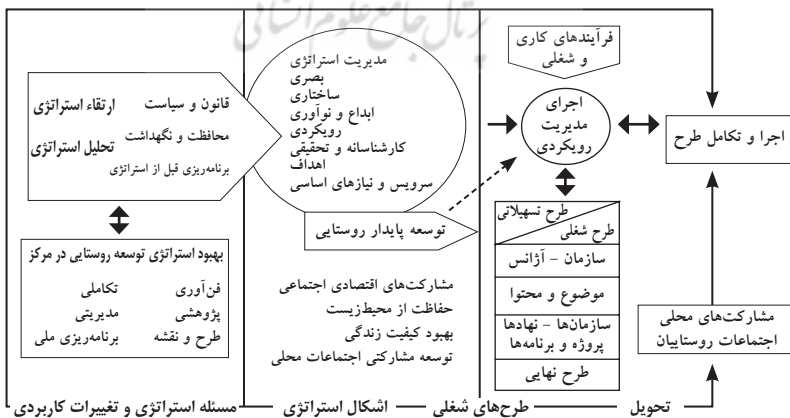
روستا یکی از عرصه های پایدار و بسیار کهن سکونت جمعی انسان است و شامل فضاهای عمومی است که زندگی اجتماعی در آن شکل می گیرد (خاکپور، شیخ مهدی، ۱۳۹۰: ۲۲۳). تحولات قرن بیستم چهره روستاها و شیوه زندگی و روابط اجتماعی روستاییان را ابتدا به آرامی و آنگاه با شتاب بیشتری دگرگون کرد (بهرامی، ۱۳۸۶: ۱۳۱). اقتصادی و صنعتی شدن کشورهای مغرب زمین و اتخاذ راهبردهایی در بسیاری از کشورهای جهان سوم موجب شد تا پیامدهای منفی مانند مهاجرت و جابجایی شدید جمعیتی، افزایش شدید شکاف بین مناطق شهری و روستایی و غیره حادث شود (صیدائی، دهقانی، ۱۳۸۹: ۴). در نتیجه پیامد این عوامل برنامه ریزان روستایی توجه اساسی خود را به سمت توسعه پایدار سوق دادند و کمیسیون

جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ توسعه پایدار را به‌عنوان توسعه‌ای که نیازهای حال حاضر جامعه را بدون به خطر انداختن توانایی‌های نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیازهایشان تأمین کند تعریف کرده است (Nzier.2005.11). توسعه پایدار حفظ انعطاف‌پذیری لازم برای پاسخ به آینده است. اما در شرایط فنی می‌توان توسعه پایدار را به‌عنوان مسیر توسعه معرفی کرد که در گستره آن حداکثر رفاه انسانی برای نسل‌های امروزی، بدون کاهش رفاه برای نسل‌های آینده در نظر گرفته شود. پیشرفت به‌سوی توسعه پایدار نیاز به تغییرات در هر سه سطح محلی، ملی و بین‌المللی دارد (Oecd.۲۰۰۱:۲۳). استراتژی توسعه پایدار روستایی به‌طور گسترده مرتبط است با افزایش رشد محلی و منطقه‌ای، توجه به فعالیت‌های ساکنان روستایی و توانایی حفظ منابع برای آینده است (شکل ۳) (ISRDS.2000.34).

رویکردهای مؤثر در گسترش توسعه پایدار روستایی

- کیفیت مناسب و دقیق فرایند توسعه، بدون تعصبات شهری و روستایی در جهت رشد اقتصاد محلی،
- افزایش مشارکت‌های محلی و بهره‌برداری محیطی با توجه به سیاست‌های دولتی،
- ایجاد برنامه‌ریزی اصولی در جهت خلق فرصت‌های مناسب توسعه برای همه افراد در نواحی روستایی،
- حمایت از فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی،
- گسترش فرهنگ خودباوری و کار گروهی (Tso.1997.12).

شکل ۳. استراتژی توسعه پایدار روستایی



چشم‌انداز جدید برنامه‌ریزی فرهنگی در مناطق روستایی

برنامه‌ریزی فرهنگی پدیده‌ای نسبتاً جدید است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی در اروپا در زمینه شهرها و تغییرات شهری فعالیت‌های اقتصادی و جمعیت‌شناسی مطرح شده است. برنامه‌ریزی فرهنگی جدید، نگاه نو به مسائل فرهنگی جامعه روستایی، مبارزه با محرومیت‌های اجتماعی، مبارزه با هیچ‌انگاری در چشم‌اندازهای جغرافیا، فرصتی برای توسعه هویت محلی، پشتیبانی از فرهنگ خودی، توانمندسازی از طریق مشارکت روستاییان، پشتیبانی دموکراتیک سیاست‌های فرهنگی، درک بهتر مردم و غیره است (Wiliva, 2010:84). بسیاری از صاحب‌نظران توسعه فرهنگ را به‌مثابه سنگ بنای توسعه قلمداد نموده‌اند، از این رو باید اذعان داشت از جمله مسائلی که می‌تواند به توسعه روستاها کمک شایانی کند توجه به مسئله فرهنگ در مناطق روستایی است. مطرح شدن فرهنگ به‌عنوان مهمترین عامل توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها و ضرورت پرداختن به آن در برنامه‌ریزی‌ها از آخرین گام‌هایی است که طی سال‌های اخیر برداشته شده است. با مطرح شدن موضوع برنامه‌ریزی در امور فرهنگی بعضی از صاحب‌نظران به‌دلیل ناکام ماندن سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای مبتنی بر الگوی توسعه غرب و ملزومات فرهنگی آن در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته که عمدتاً در قالب فرهنگ توسعه مطرح بوده، به تدریج زمینه برای به‌کارگیری الگویی متناسب با فرهنگ جوامع مختلف توسط نهادها و سازمان‌های درگیر امر توسعه را مهیا کردند به‌گونه‌ای که سازمان فرهنگی یونسکو در دهه ۱۹۸۷-۱۹۹۷ را دهه توسعه فرهنگی اعلام نمود. بنابراین توجه به فرهنگ و توسعه فرهنگی در الگوی توسعه در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی و روستایی اهمیت یافت.

به‌منظور پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی نیازمند مدیریتی یکپارچه و کارآمد هستیم. در واقع توسعه فرهنگی در مناطق روستایی و به‌عبارتی موفقیت برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی، نیازمند سازوکارهای اجرایی است که اکنون در قالب نهادهایی خاص در مناطق روستایی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم متولی امور فرهنگی در مناطق روستایی هستند که در جدول ۲ می‌توانیم نهادها و ادارات متولی توسعه فرهنگی در مناطق روستایی را مشاهده کنیم (فاضل‌نیا، توکلی، تاجبخش، ۱۳۸۹: ۱۵۹-۱۵۰).

شناخت فرهنگ روستایی و کاربرد توسعه پایدار

به نظر مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان فرهنگ بیان نوعی درک مسائل اخلاقی و تجربه

جدول ۲. نهادها و ادارات متولی توسعه فرهنگی مناطق روستایی

نهادها و ادارات	زیربخش‌های فعال در فرهنگ
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد خانه فرهنگ
سازمان تربیت بدنی	فعالیت تربیت بدنی در مدارس کانون ورزشی دانش‌آموزی
سازمان صدا و سیما	معاونت فنی و امور بهره‌وری دفتر امور فرهنگی
سازمان تبلیغات اسلامی	معاونت اوقاف و امور خیریه معاونت امور فرهنگی
سازمان اوقاف و امور خیریه	دفتر آموزش و مسابقات قرآنی معاونت بقاع و اماکن متبرکه
سازمان ملی جوانان	مشارکت جوانان در سازندگی مشارکت‌های مردمی
شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی	دهیاری‌ها شورای اسلامی روستا
وزارت کشور	شورای حل اختلاف پایگاه مقاومت بسیج
وزارت دادگستری	پاسگاه انتظامی اتحادیه انجمن دانش‌آموزی
سازمان نیروهای مسلح	مدارس خانه ترویج
وزارت آموزش و پرورش	
وزارت جهاد کشاورزی	

منبع: (فاضل‌نیا، توکلی، تاجبخش، ۱۳۸۹: ۱۵۹۰).

کاری است که براساس منطقی در طول تاریخ شکل گرفته و سازمان می‌یابد و دگرگونی پیدا می‌کند. کوشش ما می‌تواند بر این پایه باشد که اهمیت اساسی چنین میراث فرهنگی را که در هرمنطقه ممکن است شکل عام و خاص خود را تجزیه و تحلیل کنیم و ابتکارات، ابداعات، ابزارها و قالب‌هایی را که از آن ناشی می‌شود را در جهت مشارکت وسیع‌تر روستاییان به کار ببریم. این ابزارها و قالب‌های اجتماعی دقیق و غالباً دارای نظم است و محتوای آن شامل مشاهدات اقلیمی و جغرافیایی، تجربیات عملی مربوط به محیط روستایی و اعتقادهای مذهبی می‌باشد. بر این اساس همیاری، یارگیری و تعاون به صورت سنتی خود از نظر تاریخی سابقه‌ای طولانی دارد و نمونه‌های بسیاری از آن در مصر، یونان و ایران باستان و جوامع

دیگر دیده شده است. برای مثال در دین یهود فرمان‌های تورات اشاره به همکاری برای قوم بنی اسرائیل دارد. اسلام هم بحث پردامنه‌ای در این زمینه دارد که شامل تعامل روستایی مرتبط با ویژگی‌های فرهنگی است. یکی از مسائل جامعه‌شناختی که به‌طور کلی در مورد روستا مطرح است نیرومندی پیوندها و بستگی‌های اجتماعی و به زبان ابن خلدون عصیبت است. یعنی همواره نوعی احساس پیوستگی گروهی در میان روستاییان وجود دارد و به گفته ابن خلدون این پیوستگی ویژه روستاهاست، به عبارت دیگر این عصیبت که زمینه هر عمل اجتماعی است در شهر زوال پیدا می‌کند (انصاری، ۱۳۷۵: ۴). بررسی‌های به‌عمل آمده، نشان می‌دهند که فرهنگ به‌راستی مهم است،

اما به زبان Sen اقتصاددان بنگالی برنده نوبل ۱۹۹۸، فرهنگ چگونه مهم است؟ محسوس کردن فرهنگ در جایگاه‌های بی‌روح و جداگانه متشکل از تمدن‌ها یا هویت‌های مذهبی، دیدگاهی بیش از حد تنگ‌نظرانه از خصوصیات فرهنگی را به‌دست می‌دهد. لازم به یادآوری است که وجود درک مبهمی از فرهنگ یا تقدیرگرایی، با یک ادراک انحرافی درباره قدرت مسلط ترکیب می‌شود و در نتیجه، از ما انتظار می‌رود که بردگان ذهنی نیرویی موهوم باشیم از این رو، ضروری است که در کنار فرهنگ توسعه، توسعه فرهنگی را نیز از یاد نبریم و برای آن وقت بگذاریم (عبیری، ۱۳۸۹: ۶۲). در نتیجه پیوند رویکردهای توسعه پایدار با توسعه روستایی و رفاه اجتماعی و فرهنگی منشأ نقدی است که به عملکرد نهادهای دولتی کشورهای در حال توسعه در عدم برقرار کردن این پیوند و ارتباط مستقیم‌تر منابع برای دستیابی به توسعه و رفاه اجتماعی و فرهنگی پایدارتر وارد است. عملکرد اغلب نهادهای دولتی در این کشورها به تحلیل بردن شبکه‌ها و گروه‌های موجود محلی متکی است که موجب می‌شود تا مردم محلی احساس تزیینی بودن مشارکت‌شان و عدم احساس تعلق، عدم مالکیت به پروژه‌ها را داشته باشند. توسعه اجتماعی پایدار معمولاً به توانمندسازی در هر دو بخش رفاه فردی و رفاه اجتماعی بر اثر افزایش سرمایه‌های اجتماعی مربوط است. مانند، بالابردن ظرفیت برای افراد و گروه‌های اجتماعی که برای دستیابی به هدفی مشخص همچون منافع متقابل با همدیگر همکاری می‌کنند.

بنیاد کلوگ در سال ۱۹۹۲ در ایالت‌های شمالی و جنوبی آمریکا فعالیت‌های توسعه روستایی مبتنی بر توسعه پایدار را با هدف متحد کردن، توانمندسازی اجتماعات محلی و زیست‌پذیری محیط انجام داده. به‌طوری که ساکنین این اجتماعات در همه فرایندهای پروژه‌ها به‌طور فعالی سهم بودند. مدیریت این پروژه‌ها بر عهده فردی مستعد و توانا از

خود ساکنین گذاشته شده بود. از بیرون نیز فردی به عنوان تسهیل‌گر در اجتماع روستایی حضور داشت که به امر انتقال اطلاعات، آموزش مهارت‌ها و استفاده از منابع می‌پرداخت. این نقش در میزان موفقیت پروژه‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (حسن‌زاده، ایزدی جیران، ۱۳۸۸: ۴۶). اساساً فرهنگ روستایی یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه است، از این رو، توسعه فرهنگی، هم یکی از پیش‌شرط‌های بنیادی تحقق توسعه و هم یکی از آرمان‌های بنیادی توسعه در هر جامعه و به‌خصوص نواحی روستایی است؛ از همین رو بیشتر صاحب‌نظران توسعه، از جمله کارگزاران و مسئولان سازمان ملل متحد، تأکید خاصی بر فرهنگ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه دارند (بابایی فرد، ۱۳۸۹: ۹).

عوامل فرهنگی طیف وسیعی از عناصر را در بر می‌گیرد که با عوامل دیگری چون عوامل شخصیتی و اجتماعی تداخل پیدا می‌کند. چند نمونه از عوامل فرهنگی مؤثر در روند توسعه و توسعه روستایی را در جدول ۳ مشاهده می‌کنیم.

جدول ۳. عوامل فرهنگی مؤثر در روند توسعه و توسعه روستایی

ویژگی‌ها	عوامل
به مجموعه دانش و فن‌های موجود که در دسترس مخترعان قرار دارد. هرچه فرهنگ رشد کند بر مجموعه دانش و فن در آن افزوده می‌شود.	زمینه فرهنگی
نظام ارزشی هر جامعه اصول تعمیم یافته انتزاعی درباره رفتار افراد آن جامعه است. عدم موفقیت بعضی از برنامه‌های اصلاحی در روستاها از آنجا ناشی می‌شود که روستاییان در برابر دگرگونی‌ها مقاوم‌ترند.	ارزش‌ها و هنجارها
دترمینیسیم و اعتقاد به قضا و قدر تا حدود زیادی می‌تواند مانع از تغییر شود. اینگونه نگرش و بینش با روحیه حادثه‌جویی که پیش‌نیاز توسعه است سازگاری ندارد.	باورهای جبر مسلکی
امروزه تقریباً قوم‌مداری فرهنگی امری جهان‌شمول است. جوامعی که خواهان توسعه‌اند وجود این احساس در حد افراطی آن می‌تواند سد بزرگی در برابر اصلاحات باشد.	قوم‌مداری
یکی از عوامل ناقص، نسبیّت فرهنگی است و با قوم‌مداری فرهنگی همبستگی دارد.	غرور و افتخار

منبع: رحیمی، ۱۳۷۷: ۱۴۳.

تقریباً یکی از ویژگی‌های بارز الگوهای توسعه‌های که در عمل در اکثر کشورهای درحال توسعه صورت پذیرفته است سرعت فاحش توسعه یافتن مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی است، به‌طوری که نه تنها در مناطق روستایی فاصله‌ای چشمگیر در زمینه سرمایه‌گذاری و تولید

به چشم می خورد، بلکه از نظر مسائل فرهنگی و اجتماعی مانند آموزش، سلامتی و امنیت اجتماعی که همه جزء پیش شرطهای توسعه انسانی هستند نیز دارای عقب ماندگی های فاحشی نسبت به مناطق شهری هستند، این وضعیت مهاجرت های بی رویه روستا - شهری را در این کشورها به دنبال داشته است. که خود مقدمه ای برای مشکلات فراگیر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به ویژه در مراکز شهری بوده است (فتحی، مطلق، ۱۳۸۹: ۴۷). به طور کلی رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی را می توان بدین شرح بیان کرد:

۱. رویکرد فیزیکی - کالبدی شامل راهبرد بهبود زیرساختمان،
 ۲. رویکرد اقتصادی شامل راهبردهای انقلاب سبز، اصلاحات ارضی، صنعتی شدن و نیازهای اساسی،
 ۳. رویکرد اجتماعی - فرهنگی شامل راهبردهای توسعه جامعه ای و مشارکت مردمی،
 ۴. رویکرد فضایی، ناحیه ای و منطقه ای شامل راهبردهای تحلیل مکانی آگروپلین، نظام سلسله مراتبی سکونتگاه ها، توسعه یکپارچه ناحیه ای و توسعه زیست ناحیه و توسعه پایدار.
- رویکرد توسعه پایدار آخرین رویکرد مورد قبول در عرصه برنامه ریزی روستایی می باشد. در راستای رسیدن به توسعه پایدار، چالش های زیادی وجود دارند که مانع از تحقق توسعه پایدار می گردد. این چالش ها شامل چالش های مدیریتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فیزیکی و کالبدی است، بنابراین در برنامه ریزی توسعه پایدار تمام مؤلفه ها در چهار نظام محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی باید مورد توجه قرار گیرد. براین اساس در مطالعات و برنامه ریزی توسعه پایدار باید نگرش سیستمی مورد توجه باشد و از آنجایی که ارزیابی توان اکولوژیکی نقش زیربنایی در توسعه پایدار دارد. البته باید توجه داشت که تحقق توسعه پایدار مستلزم رعایت پیش شرطهایی نیز می باشد که مهم ترین آنها مشارکت مردمی، فعالیت های آموزشی و تقویت نقش تشکل های مردمی در فرایند فرهنگ توسعه پایدار است (فتحی، مطلق، ۱۳۸۹: ۵۲). رسیدن به توسعه به عوامل و شرایط مختلفی بستگی دارد که باید در کنار هم قرار گیرند تا اهداف توسعه محقق شوند. تجربه توسعه در کشورهای جهان سوم حداقل در بخش روستایی نشان می دهد که نحوه نگرش به توسعه و نقش فرهنگ بومی و روش ها و راهبردهای اتخاذ شده نقش کلیدی در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه های توسعه دارد. بسیاری از صاحب نظران دلیل عدم موفقیت در بهبود وضعیت جامعه روستایی و شکست برنامه های توسعه در روستاها را به نحوه نگرش به توسعه روستایی و راهبردهای اتخاذ شده مربوط می دانند (دشتی، منوری، سبزقائنی ۱۳۸۷: ۷۸).

آثار فرهنگ جدید بر ساختار روستاها:

۱. از خود بیگانگی فرهنگی که در آن؛ افراد هویت فرهنگی خود را فراموش می‌کنند،
۲. شکاف طبقاتی، اجتماعی و اقتصادی که منجر می‌شود به اینکه افرادی به جهت امکانات مادی، اقتصادی و یا سیاسی بر دیگران برتری یابند،
۳. اضمحلال فرهنگی، به خصوص در خرده فرهنگ‌ها که توسط فرهنگ مهاجم، باورها و اصول یک فرهنگ نابود می‌شود؛
۴. تضاد بین نسل‌ها بین سالمندان و جوانان در پذیرش یا عدم پذیرش مفاهیم،
۵. کمرنگ شدن اخلاق با ورود تکنولوژی‌های جدید، ماهواره و اینترنت که از مظاهر جهانی شدن هستند،
۶. فروپاشی معنویت که با پررنگ شدن مفهوم فرهنگ غربی و کمرنگی مفاهیم دینی و مذهبی صورت می‌گیرد (عزمی، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قرن بیست و یکم در شرایطی آغاز شده که هنوز برنامه توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه با مسائل و مشکلات متعددی مواجه است و باید برای آنها راه‌حل‌های مناسب جستجو کرد. فرهنگ؛ بازتابش زندگی دیرینه در زیست بومی است که جوامع بدان خو می‌گیرند و در دوره‌های مختلف و تحت تأثیر عوامل گوناگون صور مختلفی می‌یابند؛ ولی هسته نژادی - سنتی خود را همچنان حفظ می‌کنند. فرهنگ در باورهای امروزی، پوششی از نوسنگی را به نمایش می‌گذارد، از این رو کلیت هم‌تافته‌ای است که از نظام مفهوم‌ها و کاربردها، سازمان‌ها و مهارت‌ها دارد. مناطق روستایی در زمان حاضر با مشکلات بسیاری مواجه‌اند و در عین حال با انتخاب‌های متفاوتی نیز برای آینده روبه‌رو هستند. بنابراین تصمیمات متعدد توسعه‌ای برای مناطق روستایی وجود دارد که باید اقدامات لازم در مورد آنها به عمل آید. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که روستاها به‌عنوان دومین سکونتگاه‌های جمعیتی کشور در مطالعات مختلف کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و به همین دلیل توسعه آنها با چالش بیشتری مواجه است، در زمینه روش‌های ارزیابی توسعه پایدار باید اذعان داشت که اغلب به تدوین چارچوبی برای شاخص‌ها بسنده شده است و نتایج به‌دست آمده نشانگر وضعیت نامطلوب توسعه روستایی با رویکرد توسعه پایدار در نواحی روستایی است و در این بین سهم فرهنگ به‌کلی فراموش شده است. در نتیجه بررسی وضعیت کلی

اجتماعات روستایی در ایران نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه پایدار در نواحی روستایی با توجه به نقش و جایگاه آن در این نواحی انطباقی با الگوی توسعه پایدار ندارد. از آنجا که برنامه‌های توسعه از دستیابی به اهداف در همه زمینه‌ها دور مانده‌اند، بیشترین آثار منفی خود را بر اجتماعات روستایی (از بعد فرهنگی) برجای نهاده‌اند.

منابع:

- افتخاری، عبدالرضا و آقایی‌هیر، محسن. (۱۳۸۶). سطح‌بندی پایداری توسعه روستایی، مطالعه موردی بخش هیر، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱.
- انصاری، ابراهیم. (۱۳۷۵). مشارکت و نقش ارزش‌های فرهنگ روستایی در توسعه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۸.
- بابایی‌فرد اسداله. (۱۳۸۹). توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷.
- بهرامی، رحمت‌الله. (۱۳۸۶). چالش‌های عمده توسعه روستایی؛ مطالعه موردی استان کردستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۸، شماره مقاله ۷۹۷.
- پورطاهری، مهدی و سجاسی، حمدالله و صادق‌لو، طاهره. (۱۳۸۸). سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی، با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی براساس تشابه به حل ایدئال فازی مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده.
- پورطاهری، مهدی و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و نیکبخت، منصوره. (۱۳۹۰). اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی، نمونه موردی روستاهای بخش مرکزی شهرستان قزوین. فصلنامه فضای جغرافیایی دانشگاه آزاد واحد اهر. سال یازدهم، شماره ۳۵.
- حسن‌زاده، داوود و ایزدی جیران، اصغر. (۱۳۸۸). بررسی جایگاه توسعه پایدار در اجتماعات روستایی ایران، نامه علوم اجتماعی، ۱۷(۲۶).
- خاکپور، مژگان و شیخ‌مهدی، علی. (۱۳۹۰). بررسی فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان، دوفصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۷.
- رحیمی، حسین. (۱۳۷۷). نقش فرهنگ در توسعه پایدار، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، سیاسی اقتصادی، شماره ۱۶۸-۱۶۷.
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی توسعه روستایی (مفاهیم، راهبردها و فرایندها) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- دشتی، سولماز و منوری سیدمسعود، سبزیبائی غلامرضا. (۱۳۸۷). راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار روستایی با استفاده از ارزیابی توان محیط زیست حوضه آبخیز زاخرد، علوم محیطی، سال ششم، شماره دوم.
- شمس، مجید و امینی، نصیره. (۱۳۸۸). ارزیابی شاخص فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در توسعه گردشگری، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم.
- صیدائی، سیداسکندر و دهقانی، امین. (۱۳۸۹). نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستایی، با تأکید بر

مشارکت سنتی و جدید مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان نورآباد ممسنی، جامعه‌شناسی کاربردی سال بیست‌ویکم شماره پیاپی ۳۷ شماره اول.

- قبادی، امین. (۱۳۸۸). بررسی نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی، برگرفته از سایت قبادی بلوغفا.
- فاضل‌نیا، غریب و توکلی، مرتضی و تاجبخش، کاظم. (۱۳۸۹). ارزیابی برنامه‌های توسعه روستایی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم، فصلنامه تحقیقات فرهنگی دوره سوم، شماره ۳.
- فتحی، سروش و مطلق، معصومه. (۱۳۸۹). رویکرد نظری بر توسعه پایدار روستایی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم.
- عبیری، غلامحسین. (۱۳۸۹). فرهنگ و توسعه و توسعه فرهنگی، بانک و اقتصاد شماره ۱۰۷.
- عزمی، آئیژ. (۱۳۸۷). جایگاه توسعه اجتماعی ایران در راستای سند چشم‌انداز، راهبرد یاس، شماره ۱۵.
- غراب، ناصرالدین. (۱۳۹۰). اصول و مبانی برنامه‌ریزی فرهنگی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول.
- موحدی، مسعود. (۱۳۸۵). فرهنگ ایرانی و توسعه، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین^(ع)، برگرفته از سایت ایران کالچر.

- مظاهری محمدمهدی، اسماعیل کاوسی، موسوی سیدرضا. (۱۳۸۸). ارائه الگوی مناسب جهت تعیین اولویت‌های مراکز فرهنگی و تحول آنها براساس رویکرد اسلامی ایرانی، مطالعه موردی سازمان فرهنگی هنری شهرداری مشهد، فصلنامه بصیرت شماره ۴۴.

- ناظمی اردکانی، مهدی و کشاورز، سوسن. (۱۳۸۵). مبانی نظری مدیریت تحول فرهنگی در ایران.

- Isrds.the Integrated Sustainable rural Development Strategy November.2000
- MCC. Massachusetts Cultural Council. Local Cultural Council Program Regulations and Guidelines .in Massachusetts, public funding for the arts, humanities, and interpretive sciences is provided through a central state agency. 2011
- Nzier.Sustainable development Nzier s standard terms of engagement for contract research can be found at www.nzier.org.nz.2005
- Sdm.Sustainable development model.www.google.com model image.2011
- Tso. Planning shapes the places where people live and work and the country we live in. It plays a key role in supporting the Government's wider economic,social and environmental objectives and for sustainable communities. Planning Policy Statement 7:Sustainable Development in Rural Areas. www.tso.co.uk.1997
- Oecd. Sustainable development:Critical issues Organisation for Economic Co-operation and Development.2001
- Wiliva.b.Cultural Planning Toolkit: A Partnership between Legacies Now and Creative City Network of Canada.2010.
- <http://www.ensani.ir>.7
- <http://qobadi.blogfa.com>.
- <http://www.iranculture.org>